خوراک در خمسه نظامی

زهرازاده، محمد علی

\*آثار کهن ایرانی از جمله آثار نظامی،در حکم دورنمایی است‏ که پس از قرون متمادی رفتار این‏ ملت را بگونه‏ای خاص مجسم‏ می‏سازند.

فرهنگ عامه را می‏توان مجموعه‏ای از دانستنیها و اعمال و رفتاری دانست که در بین عامه مردم بدون‏ در نظر گرفتن فواید علمی و منطقی آن سینه به سینه‏ و نسل به نسل به ارث رسیده است.

«فرهنگ مردم اساس شناخت درست ملتها و وجه‏ تمایز قومی از قوم دیگر می‏باشد؛زیرا این مطالب‏ به منزلهء آیینه‏ای است که چهرهء واقعی و خصلتهای‏ عینی و ویژگیهای روحی و ذوقی و فکری اقوام و ملل جهان را در آن می‏توان دید».(1)

«فولکلور»در ابتدا محدود به ادبیات شفاهی بود و معمولا از قصه‏ها،افسانه‏ها،آوازهای محلی و ضرب‏المثلها تجاوز نمی‏کرد،ولی بتدریج دامنهء آن‏ گسترش یافت و آداب و رسوم و معتقدات عامیانه‏ نیز به قلمرو آن افزوده شد.

آثار کهن ایرانی از جمله آثار نظامی،در حکم‏ دورنمایی است که پس از قرون متمادی رفتار این‏ ملت را به گونه‏ای خاص مجسم می‏سازند.در آثار نظامی آدمی با زندگی،آداب و رسوم،معتقدات‏ روحی و سنتهای اصیل ایرانی روبرو می‏شود. احاطهء نظامی به علوم قدیمی و علوم عصر خویش،از جمله ستاره‏شناسی،طب،علوم‏ مربوط به تسخیر ارواح و طلسمات و...زمینهء مساعدی را برای ورود فرهنگ عامه در آثارش فراهم‏ ساخته است.در این مقاله،از آن میان به بخشی‏ از شیوهء زندگی و معیشت مردم یعنی انواع خوراک‏ در عصر نظامی می‏پردازیم و طبیعی است که مبنای‏ تحقیق خمسهء نظامی باشد.

خوراک.از انسان به عنوان«حیوان طباخ»یاد شده:انسان است که به پخت و پز می‏پردازد.در دورترین ایام،انسان شکارچی از گوشت خام‏ حیواناتی که شکار می‏کرد،تغذیه می‏نمود.با کشف آتش و ساختن وسایل ضروری زندگی،در نوع تغذیهء وی نیز تحولی ایجاد شد که مطالعهء این‏ تحولات و دگرگونی‏ها برای شناخت تاریخ‏ اجتماعی ضروری است.

اگر بخواهیم تأثیر عوامل فرهنگی را در یک‏ جامعه مورد بررسی قرار دهیم،نمی‏توانیم شیوهء تغذیه آن را نادیده بگیریم،زیرا غالبا پیش از آنکه‏ علت تغذیه،رفع گرسنگی باشد،عوامل فرهنگی‏ خاصی نقش اصلی را در تهیه و مصرف غذا دارند؛ انواع نذورات غذایی،قربانیها و تحریم گوشت‏ بعضی از حیوانات،یا باورهای عامیانه برای‏ جلوگیری از هر نوع اسراف از جمله عوامل فرهنگی‏ و مذهبی محسوب می‏گردند.مثلا آنچه در زیر می‏آید نگاهی است به نانها و خوراکهایی که در خمسهء نظامی ذکرشان رفته است.ذکر نان و انواع‏ آن در آثار نظامی حکایت از تنوع این غذای اصلی‏ و عمومی و استفادهء مردم از آن دارد.

نیروی کسی به نان و حلواست‏ کورا به وجود خویش پرواست(\*)

(ل/279/68)

«نان جوین»که آن را از آرد جو می‏پزند:

چو قرص جوین هست جان پرورم‏ غم گردهء گندمین چون خورم

(1 ق/103/14)

«نان دستکش»نوعی از نان است که در بعضی از نقاط آذربایجان شرقی بدان«پنجه‏کش»می‏گویند(2)

پایگه عشق نه ما کرده‏ایم‏ دستکش عشق نه ما خورده‏ایم

(م/153/8)

دستکش کس نیم از بهر گنج‏ دستکشی می‏خورم از دست‏رنج

(م/151/15)

«نان رقاق»نان تنک و لواش را گویند.

حریره رقاق دو پرویز نی‏ چو مهتاب تابنده از روشنی

(ش/311/320)

بره و مرغ و زیربای عراق‏ گرده‏ها و کلیچها و رقاق

(هـ/523/4)

سفره نان گشاد و لختی خورد از رقاق سپید و گردهء زرد

(هـ/462/289)

«گرده»نوعی نان غیر تنک است

چو قرص جوین هست جان پرورم‏ غم گرده گندمین چون خورم

(1 ق/103/14)

همان گردهء نرم چون لیف خز کزو پخته شد گردهء گرده‏پز

(ش/311/321)

گرده‏های سپید چون کافور نرم و نازک چو پشت و سینهء حور

(هـ/465/317)

غذاها

«ابا»یا آش طعام رقیقی است که از حبوبات و روغن و سبزی و مانند آن تهیه می‏شود.

اباهای الوان ز صد گونه بیش‏ به خوانهای زرین نهادند پیش

(ش/311/322)

اباهای نوشین عنبر سرشت‏ خبر داده از خوردهای بهشت

(ش/306/246)

کباب تر و بوی افزار خشک‏ اباهای پروده با بوی مشک

(ش/318/58)

\*با کشف آتش و ساختن وسایل‏ ضروری زندگی،در نوع تغذیه وی‏ تحولی ایجاد شد که مطالعه این‏ تحولات و دگرگونیها برای شناخت‏ تاریخ اجتماعی ضروری است.

«بریان»خوراکی است مرکب از گوشت و پیاز چرخ‏کرده که آنرا تفت دهند.

آورد سبک طعام در پیش‏ بریان و کلیچه از عدد بیش

(ل/248/24)

«بغرا»آشی است که از خمیری که به شکل‏ رشته‏های دراز درآورند،ساخته می‏شود.

بغرا خور دسترنج خویشم‏ گر محتشم به گنج خویشم

(ل/66/3)

«تابه»گوشت پخته را گویند؛مانند ماهی در میان تابه با روغن برشته کرده که سیر و سرکه بر آن زده‏ باشند.

دور گشتند نارسیده به کام‏ تابه پخته بین که چون شد خام

(هـ/545/192)

««تتماج»نوعی آش که با آرد تهیه می‏شود:

خارکز نخل دور شد تاجش‏ به که سازند سیخ تتماجش

(هـ/73/88)

«خورش»یا«خورشت»آنچه را که با نان یا برنج‏ خورند گویند.

درین ژرف صحرا که مأوای ماست‏ خورش‏های ما صید صحرای ماست

(1 ق/186/3)

چرب خورش بود لبت پیش ازین‏ رو به فربه نخوری بیش از ین

(م/185/15)

خوردنیهایی از مرغ و ماهی و گوسفند

هم از جنس ماهی هم از گوسفند دگر خوردنیها جز این نیز چند

(1 ق/218/8)

ز مرغ و بره روی رنگین بساط برآورده پر مرغ‏وار از نشاط

(ش/306/248)

خوردهایی ملوک‏وار سره‏ مرغ و ماهی و گوسپند و بره

(هـ/217/14)

بره شیرمست بلغاری‏ ماهی تازه مرغ پرواری

(هـ/465/316)

بره و مرغ و زیربای عراق‏ گرده‏ها و کلیچها و رقاق

(هـ/523/4)

«دوغبا»یا«آش ماست».

ترکیم را درین حبش نخرند لاجرم دوغبای خوش نخورند

(هـ/76/112)

«ریچار»و«ریچال»مطلق مرباست.

مصوص سرایی و ریچار نغز ز بادام و پسته برآورده مغز

(ش/306/249)

ز ریچارها آنچه باشد عزیز ترنج و به و فار و نارنج نیز

(ش/318/59)

\*فرهنگ عامه مجموعه‏ای از دانستنیها و اعمال و رفتاری است‏ که در بین مردم بدون در نظر گرفتن فواید علمی و منطقی نسل‏ به نسل به ارث رسیده است.

«زیربا»نوعی از آش و طعامی است که به آن‏ «آش زیره»نیز گویند.

هنوز این زیربا در دیگ خامست‏ هنوز اسباب حلوا ناتمامست

(خ/545/74)

زیربایی به زعفران و شکر ناربایی ز زیر با خوشتر

(هـ/465/315)

بره و مرغ و زیربای عراق‏ گرده‏ها و کلیچها و رقاق

(هـ/523/4)

«سکبا»نوعی از آش است که از بلغور گندم و سرکه و نبات و گوشت و کشمش سازند.

ز معشوقان وفا جستن غریب است‏ نگوید کس که سکبا بر طبیب است

(خ/472/150)

بسا تا به که ماند از طیرگی سرد بسا سکبا که سگبان پخت و سگ خورد

(خ/609/6)

«شوربا»آش ساده‏ای که با برنج و انواع سبزی‏ پخته شود.

اگر شوربایی بچنگ آوری‏ من مرده را باز رنگ آوری

(1 ق/76/3)

از آن پیش کان پشته را باز کرد یکی نیمه زان شوربا باز خورد

(1 ق/79/5)

وزان شوربا ساغری گرم جوش‏ ربودم سوی خانه رفتم خموش

(1 ق/80/6)

«کباب»

کباب تر و بوی افزار خشک‏ اباهای پرورده با بوی مشک

(ش/318/58)

چو مستی مرد را بر سر زند رود کبابش خواه‏تر خواهی نمک سود

(خ/632/9)

«کشکینه»یا«آش جو».

چو آمد گه زادن او را فراز به کشکینهء گرمش آمد نیاز

(1 ق/75/14)

«لور»مادهء پنیری است که از شیر بریده حاصل‏ شود و غذایی ثقیل است که با شیر و شکر خورند.

نرم و نازک بری چو لور و پنیر چرب و شیرین‏تری ز شکر و شیر

(هـ/469/346)

«مصوص»طعامی است که از گوشت پخته در سرکه و یا مخصوصا از گوشت مرغ ساخته شده‏ باشد.

مصوص سرایی و ریچار نغز ز بادام و پسته برآورده مغز

(ش/306/249)

«ناربا»یا«آش انار»

زیربایی به زعفران و شکر ناربایی ز زیربا خوشتر

(هـ/465/315)

پی‏نوشت:

(1)-انجوی شیرازی،سید ابو القاسم؛تمثیل و مثل،1352،ج‏ 10،امیر کبیر،ص 12.

(2)-توضیحاتی که دربارهء انواع غذا آورده شده است از منابع ذیل‏ اخذ شده است:

الف-زنجانی،برات،احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی‏ گنجوی،تهران،1370.

ب-معین،محمد،فرهنگ فارسی،تهران 1364.

ج-تبریزی،محمد حسین بن خلف،برهان قاطع،به تصحیح‏ محمد معین،تهران،1362.

د-نفیسی،علی اکبر،فرهنگ نفیسی،تهران 1355

هـ.دهخدا،علی اکبر:لغت‏نامه

(\*)-برای سهولت امر بازبینی اشعار و صفحات آن در برابر هر شاهدی که ذکر شده دو عدد مشاهده می‏شود که بیان کنندهء شمارهء صفحهء کتاب و شماره بیت مورد نظر است.و نیز پیش از اعداد، یکی از حروف الفبا که مخفف نام کتاب است قرار داده شده به شرح‏ زیر:اق-اقبالنامه،خ-خسرو و شیرین،ل-لیلی و مجنون،م- مخزن الاسرار و هو-هفت پیکر.

نظامی،الیاس بن یوسف،خسرو و شیرین،تصحیح بهروز ثروتیان،تهران،1366.

نظامی،الیاس بن یوسف،شرفنامه،تصحیح بهروز ثروتیان،تهران،1368.

نظامی،الیاس بن یوسف،لیلی و مجنون،تصحیح بهروز ثروتیان،تهران 1363.

نظامی،الیاس بن یوسف،مخزن الاسرار،تصحیح بهروز ثروتیان،1363.

نظامی،الیاس بن یوسف،اقبالنامه،تصحیح حسن وحید دستگردی،تهران،1363.

نظامی،الیاس بن یوسف،هفت پیکر،مقدمه و حواشی ظاهر احمد اوغلی محرم‏اوف،مسکو 1987.